

درباره زندگی چریک فدائی خلق، رفیق حمید مومنی



درباره زندگی چریک فدایی خلق، رفیق حمید مومنی

رفیق حمید مومنی با توجه به دانش گسترده و چشم‌گیر خود از مارکسیسم-لنینیسم یکی از رفقای برجسته چریک‌های فدایی خلق می‌باشد که آثار ارزشمندی به خصوص در زمینه مبارزه تئوریک با برخی نظرات انحرافی در جنبش از خود به یادگار گذاشته است.

رفیق مومنی در اردیبهشت ۱۳۲۱ در روستای "بید سرخ" در استان کرمانشاه و در نزدیکی نهاوند چشم به جهان گشود. در دوران تحصیل دانش آموز ممتازی بود که همواره با نمرات بالا سال‌های تحصیل را پشت سر می‌گذاشت. به همین دلیل در سال ۱۳۳۷ به عنوان شاگرد ممتاز در استان کرمانشاه برای رفتن به اردوی رامسر انتخاب شد. او پس از پایان دوره دبیرستان به دلیل وضع نامساعد مالی خانواده نتوانست در کنکور دانشگاه شرکت کند و به ناچار تصمیم گرفت که به دانش‌سرای مقدماتی بروجرد برود که اندکی کمک هزینه تحصیل به شاگردان می‌داد. با توجه به این که خانواده‌اش قادر به تامین هزینه تحصیل وی نبودند، این کمک هزینه کمک بزرگی جهت ادامه تحصیل بود. او که همواره به مطالعه کتاب‌های غیر درسی می‌پرداخت و با کارگران و ستم‌دیدگان هم‌دردی می‌کرد، با دیدن نابرابری‌های موجود در جامعه و در پرتو آگاهی‌هایی که از علل این نابرابری‌ها پیدا نموده بود کم‌کم به افکار سوسیالیستی گرایش پیدا نمود. اما رژیم شاه در شرایط اوج‌گیری جنبش‌های انقلابی چپ در سراسر دنیا و گسترش گرایش به سوسیالیسم در میان جوانان ایران، با ایجاد خفقان در جامعه امکان چاپ و نشر آثار مارکسیستی را نمی‌داد. اما در همین دوره با روابط دوستی که بین رژیم شاه و حکومت به اصطلاح سوسیالیستی شوروی رویونیست به وجود آمده بود امکان دسترسی به کتاب‌های مارکسیستی به زبان روسی به وجود آمد. بر این مبنا او در

همان اوایل دهه چهل جهت مطالعه بیشتر و نیاز به دسترسی به منابع مختلف مارکسیستی مشغول آموختن زبان روسی شد. ثمره این تلاش پی‌گیرانه وی ترجمه برخی آثار و با بهره‌گیری از مطالعاتش به زبان روسی نوشتن مطالبی بود که در خدمت روشنگری و رشد آگاهی نوجوانان و جوانان قرار داشت. برخی از نوشته‌ها و ترجمه‌های رفیق مومنی عبارتند از: «مقدمه‌ای بر تاریخ»، «تاریخ جامعه»، «ترجمه کتاب پیدایش انسان از میخائیل نستورخ، انسان‌شناس بزرگ شوروی»، «ترجمه کتاب تاریخ دنیای قدیم از ف. پ. کوروفکین»، «ترجمه کتاب دولت نادر شاه از م. ر. آرونوا»؛ این کتاب با مقدمه پرباری از خود رفیق مومنی همراه است. نام‌های "م. بیدسرخ" و "حمید امین" نام‌های مستعاری هستند که رفیق مومنی برای نشر آثارش از آنها استفاده می‌کرد. او در آثار خود در زمینه تاریخ می‌کوشید جامعه‌شناسی و تاریخ را با زبان ساده برای خوانندگان جوان تشریح نماید.

شور و شوق رفیق مومنی جهت بالا بردن دانش خود سبب شد که در سال ۱۳۴۵ جهت ادامه تحصیل وارد دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران شود. رفیق مومنی در دوران دانشگاه با جدیت تمام مطالعات خود را درباره مارکسیسم و سوسیالیسم گسترش داد و به آنها عمق بیشتری بخشید. او در این دانشگاه با رفیق فریدون جعفری و بهمن روحی آهنگرانی که آنها نیز در دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران درس می‌خواندند هم‌دوره بود. او پس از فارغ التحصیل شدن از دانشگاه در "کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان" مشغول به کار شد و از طریق رفیق بهمن روحی آهنگرانی با رفیق نزهت نیز آشنا گردید و این آشنایی خیلی زود به روابط سیاسی ارتقا یافت. رفیق مومنی به همراه رفقا نزهت و بهمن در پوشش تحقیقات دانشگاهی، تحقیقات عینی زنده‌ای از تعدادی از روستاهای ایران انجام داد. "بررسی ساخت اقتصادی روستاهای فارس" از جمله‌ی آن تحقیقات می‌باشد که در نوع خود تحقیقاتی بسیار آموزنده می‌باشند. این تحقیقات بعدها در چندین جلد از سوی سازمان چریک‌های فدایی خلق منتشر شد.

در آن زمان با حاکم شدن رویونیسم در حزب کمونیست شوروی انشقاقی در صفوف جنبش کمونیستی در سطح جهان شکل گرفته بود و اندیشه‌های رفیق مائو رهبر کمونیست‌های چین با استقبال وسیعی در بین مارکسیست‌ها مواجه شده بود. رفقا حمید و بهمن و نزهت در جریان مطالعات خود مرزبندی روشنی با رویونیسم نیکیتا خروشچف رهبر حزب رویونیست شوروی پیدا کردند. این رفقا در تلاش برای شکل دادن به محفلی مارکسیستی بودند و این در شرایطی بود که جنبش نوین کمونیستی ایران تازه پا گرفته بود و به قول رفیق احمدزاده، تئوریسین چریک‌های فدایی خلق خصلت اساسی این جنبش در آن مرحله عبارت بود از "از تجمع ساده نیروها، رشد خودبه‌خودی آن و جدا ماندنش از توده" ها. به همین دلیل هم در آن مقطع شاهد محافل و گروه‌های گوناگون مارکسیستی بودیم که اکثراً در جریان مبادله و نشر آثار کمونیستی و به خصوص آثار مائو، شکل گرفته و باز هم بنا به گفته رفیق احمدزاده "تحت تأثیر تجربیات انقلابی و جنگ‌های توده‌ای، گرایش (نظری) به مبارزه مسلحانه توده‌ای" روز به روز در میان‌شان بیشتر می‌شد.

تلاش‌های این رفقا و به خصوص با توجه به اطلاعات وسیع رفیق مومنی از مسائل جنبش کمونیستی باعث شکل‌گیری جمعی حول این رفقا شد که تأکیدشان بر مبنای تجربه انقلاب چین کار در میان طبقه کارگر و تلاش برای ایجاد حزب این طبقه و سپس آغاز مبارزه مسلحانه بود. این رفقا در چنین

وضعیتی به سر می‌بردند که جنبش مسلحانه در پاسخ به الزامات شرایط جامعه ایران با رستاخیز سیاهکل آغاز شد.

پس از اعلام موجودیت چریک‌های فدایی خلق در اواخر فروردین سال ۱۳۵۰ و تداوم عملیات مسلحانه در شهرها یکباره جو سیاسی جامعه دچار تغییر گشت و به خصوص در ابتدا فضای دانشگاه‌ها و جنبش دانشجویی در پشتیبانی از این جنبش متحول شد. جمع این رفا نیز که رفیق اعظم روحی آهنگرانی نیز جزو آنها بود از این جنبش تاثیر گرفتند و گرایش به دست زدن به مبارزه مسلحانه توسط پیشاهنگان انقلابی قبل از تشکیل حزب کمونیست _ که دلایل آن در اثر جاودان رفیق مسعود احمدزاده در انطباق با شرایط جامعه ایران به طور همه جانبه تشریح شده بود _ در میان آنان شروع به رشد کرد و این رفا به دلیل برخورداری از صداقت انقلابی به پشتیبانی از این جنبش برخاستند. در این دوره آنها بدون آن که ارتباطی با چریک‌های فدایی خلق داشته باشند اقدام به پخش اعلامیه‌هایی نمودند که عمدتاً توسط رفا امیرپرویز پویان و علیرضا نابدل با امضای چریک‌های فدایی خلق نوشته شده بود. تلاش این رفا برای ارتباطگیری با چریک‌های فدایی خلق موقعی تحقق یافت که رفیق بهمن که در اتوبوسی نشسته بود به طور اتفاقی رفیق فریدون جعفری را در خیابان دید و شتابان از اتوبوس پیاده شده و خود را به او رساند و از این طریق ارتباط این رفا در اواخر سال ۱۳۵۱ با چریک‌های فدایی خلق برقرار گردید. رفقایی مانند اعظم روحی آهنگرانی، زهرا آقایی، قلهکی، علیرضا شهاب‌رضوی، حبیب مومنی (برادر رفیق حمید مومنی) و ... نیز در همین رابطه به تدریج به چریک‌های فدایی خلق پیوستند. با پیوستن رفیق مومنی به چریک‌های فدایی خلق دوران جدید و پر باری در زندگی وی شروع شد. رفیق مومنی که حالا با نام مستعار "صادق" شناخته می‌شد با صداقت تمام با تکیه بر دانش گسترده‌اش پاسخ‌گوی پرسش‌های خیلی از رفا بود و در آموزش آنها نقش داشت. در این دوران جدا از نقشی که در انتشار نبرد خلق ارگان سازمان بر عهده داشت کتاب‌ها و مقالات بسیاری برای سازمان نوشت که خیلی از آنها در همان زمان از سوی سازمان منتشر شد. کتاب ارزشمند و آموزشی "شورش نه، قدم‌های سنجیده در راه انقلاب" که در پاسخ به نوشته مصطفی شجاعیان تحت نام شورش (و بعدها انقلاب) نوشته شد در حالی که پاسخی دندان‌شکن به نظرات نادرست شجاعیان بود، متنی آموزشی برای تک تک رفا نیز بود و البته هنوز هم هست. البته رفیق مومنی این کتاب را به عنوان یک وظیفه درون تشکیلاتی نوشت چرا که در آن زمان سازمان در رابطه‌ای مصطفی شجاعیان را به درون سازمان راه داده بود و تصور می‌کرد که او در برخورد به رفیق مومنی نظرات انحرافی خود را اصلاح خواهد کرد که چنین نشد. به همین دلیل هم کتاب "شورش نه، قدم‌های سنجیده در راه انقلاب" در ابتدا به عنوان یک نوشته درونی در سطح رفا توزیع شد.

رفیق مومنی همچنین در پاسخ به برخی انتقادات افرادی که در خارج از کشور تحت عنوان جبهه ملی خاورمیانه از سازمان حمایت می‌کردند چند رساله نوشت. "استالین‌یسم و مساله بوروکراسی در جامعه سوسیالیستی" و "گرایش به راست در سیاست خارجی جمهوری خلق چین" از جمله این رساله‌ها بودند که مواضع سازمان در این رابطه‌ها را توضیح می‌دادند. در همین دوران رفیق مومنی برای چاپ مجدد کتاب رفیق مسعود مقدمه‌ای بر این کتاب نوشت و به دفاع از اندیشه‌های رفیق

مسعود پرداخت که متأسفانه با توجه به این واقعیت که در اواخر سال ۱۳۵۳ گرایش‌های انحرافی در سازمان شروع به رشد کرد که به ناحق نارسایی‌های موجود در کار سازمان را به نظرات رفیق احمدزاده نسبت می‌داد، از انتشار این مقدمه در بیرون از سازمان جلوگیری به عمل آمد. این نوشته رفیق مومنی سال‌ها بعد یعنی پس از قیام بهمن سال ۱۳۵۷ و به دنبال جدایی چریک‌های فدایی خلق از سازمانی که دیگر آشکارا اپورتونیسم بر آن حاکم شده بود، تحت نام «پاسخ به فرصت‌طلبان در مورد "مبارزه مسلحانه هم استراتژی، هم تاکتیک"» منتشر شد که هم اکنون نیز در سطح جنبش از طریق سایت سیاهکل قابل دسترسی است.

چگونگی شهادت رفیق مومنی این رفیق صادق کارگران و زحمت‌کشان ایران حاوی تجربه‌ای در شناخت شیوه‌های دشمن می‌باشد. رفیق مومنی از طریق رفیق بهمن روحی آهنگرانی با شخصی به نام کمال پولادی که در کانون پرورش فکری کودکان مشغول به کار بود، آشنا شد. رفیق مومنی در زمانی که مخفی بود گاهی به این فرد سر می‌زد و تلاش می‌کرد که وی را به سمت سازمان جلب کند.

اما متأسفانه این فرد که زندگی علنی داشت از سوی ساواک دستگیر شد و ساواک برای به دام انداختن رفیق مومنی از همکاری این فرد سود جست و زمانی که رفیق مومنی طبق معمول برای اطمینان از دستگیر نشدن وی به نام‌برده تلفن کرد تا قرار ملاقات در خانه فرد مزبور بگذارد، او با ساواک همکاری کرد و این قرار گذاشته شد. به این ترتیب در ۲۳ بهمن‌ماه ۱۳۵۴ در شرایطی که خانه فرد مزبور کاملاً در محاصره نیروهای سرکوب ساواک قرار داشت رفیق مومنی بی اطلاع از این دام و این همکاری نابخشودنی وارد تور دشمن شد. ساواک که پیشاپیش برخی از خانه‌های تیمی سازمان را شناسایی و منتظر فرصتی برای حمله‌ای بزرگ به سازمان بود او را غافلگیر و باران گلوله را بر سر وی فرو ریخت. به این ترتیب خون پاک رفیق مومنی در راه انقلاب کارگران و در راه تحقق آرمان بزرگش یعنی سوسیالیسم بر زمین ریخته شد. اما چه باک! رفیق مومنی نیز همچون زنده یاد رفیق عباس جمشیدی، یکی از رهبران چریک‌های فدایی خلق معتقد بود "اگر خون‌بهای ما آگاهی خلق است بگذار از خون ما رودخانه‌ای خروشان جاری شود".

یاد رفیق حمید مومنی گرامی و راهش پر رهرو باد!